سرمقاله

ادامه از صفحه یک ...

این است که در مسئله بنزین، مشکل اصلی قیمت بنزین نیست. مشکل اصلی این است که بخشی از جامعه (افرادی که خودرو دارند) از بنزین ارزان بهره‌مند می‌شوند و بخش دیگری از جامعه از آن بی‌بهره مانده‌اند. بنابراین دولت باید به جای تمرکز روی قیمت بنزین، روی ایجاد دسترسی برابر تمرکز کند. اما علت اصلی این گرانی چیست؟ و چه نتایج و تاثیری بر زندگی اقشار مختلف اجتماع خواهد گذاشت؟ اعتراض به گرانی بنزین آیا عاقلانه است؟ و اگر عاقلانه است از چه راهی می‌توان این اعتراض را انجام داد؟

چرا بنزین گران شد؟

گرانی بنزین بر اساس گرانی دلار: تحلیل نخست شاید کمی نامحتمل به نظر برسد ولی در واقع یکی از اصلی‌ترین دلایل گرانی بنزین است. در این تحلیل باید به گرانی‌های دو سال اخیر برگردیم، همه چیز به تدریج و با چند جهش گران شد، اما قیمت بنزین با تلاش دولت و اعمال سیاست‌های مرتبط ثابت ماند. این روزها قیمت همه چیز نسبت به دو سال پیش تقریباً سه برابر شده، که سه برابر شدن قیمت بنزین را هم توجیه می‌کند. اگر این تحلیل درست باشد، احتمالاً شاهد افزایش قیمت‌های دیگر تا مدتی نخواهیم بود. ولی بعد از مدتی قیمت همه چیز مجدداً با کوچک‌تر شدن سفره اقتصادی مردم بیشتر خواهد شد. در صورتی که این گرانی در ادامه گرانی دلار باشد، احتمال نتیجه دادن اعتراضات بسیار ناچیز است. چون توان کنترل قیمت از دست قدرت دولت خارج شده است. دولت تمام سعی خود را خواهد کرد که جلوی اعتراضات را بگیرد.

نتیجه گرانی بنزین بر اساس تحریم‌های نفتی: در صورتی که مقصر را تحریم‌های نفتی بدانیم، دولت دیگر قادر به تأمین هزینه‌های حمل و نقل بنزینی نیست. در حال حاضر روزانه ۸۷ میلیون لیتر بنزین در ایران مصرف می‌شود. با توجه به اینکه هزینه‌های تولید و واردات بنزین ثابت مانده است. افزایش دو هزار تومانی قیمت بنزین، سودی ۱۷۴ میلیارد تومانی را به صورت روزانه، نصیب دولت می‌کند. در طول سال این مبلغ برابر با حدوداً ۶۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود. در صورتی که گرانی بنزین به علت جبران درآمد حذف شده، ناشی از تحریم‌های نفتی باشد، درآمد خوبی از راه این افزایش نصیب دولت خواهد شد، که می‌تواند صرف احداث مدارس در سیستان و بلوچستان، اشتغال‌زایی یا فعالیت‌های مهم دیگر اقتصادی شود. اما آیا این درآمدها صرف این موارد مهم خواهد شد؟ یا ارقام در اختلاس‌های هزار میلیارد دلاری گم خواهند شد؟

سوالی است که آینده و نحوه مدیریت مسئولان پاسخگوی آن خواهد بود. از طرفی تحقق این درآمد، کاملاً وابسته به درآمد قشر مسافرکش است که بیشترین سهم را از مصرف بنزین دارد. آیا افرادی که از شهرستان‌ها برای مسافرکشی راهی تهران شده‌اند و شب‌ها در ماشین خود می‌خوابند، قادر به پرداخت هزینه بنزین خواهند بود؟

راه اعتراض به گرانی بنزین چیست؟

یکی از راه‌های اعتراض همیشه نخریدن اجناس گران است، اما این راه در حال حاضر امکان‌پذیر نیست یا بسیار سخت است. چون بیش از نیمی از مردم حداقل در پایتخت (یک هشتم جمعیت ایران) از طریق مسافرکشی روزگار می‌گذرانند و نخریدن بنزین خانواده آن‌ها را در معرض خطر قرار خواهد داد. راه دیگر اعتراض پارک کردن خودروها در خیابان است. با بررسی رفتارهای قبلی از مسئولان احتمالاً این راه منجر به درگیرهای خیابانی و کشته شدن عده‌ای از مردم خواهد شد. این راه نیز عاقلانه به نظر نمی‌رسد. زیرا هزینه شدیدی برای مردم و دولت در پی خواهد داشت. البته صحیح یا ناصحیح بودن اعتراض کاملاً به اقدامات دولت در آینده نزدیک بستگی دارد. در راستای این اقدامات شفافیت مالی با حسابی که رئوئیت و چک کردن آن برای تمام مردم قابل لمس باشد، الزامی است. اعلام هزینه‌های انجام شده از راه این درآمد به اعتمادسازی متقابل کمک می‌کند. اگر این درآمد خرج مواردی مثل آقازاده‌ها و اختلاس‌ها شود، مسلماً اعتراض به آن ضروری است.

به هر حال اقدامات آینده دولت روشن کننده وضعیت رفتاری مردم خواهد بود. این رفتار در بدترین شرایط به شورش و در بهترین شرایط برای دولت به موافقت‌های اجتماعی منجر خواهد شد. راه سوم شرکت نکردن در انتخابات است که احتمالاً به جز زندانی کردن خودمان نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت و وجه سیاسی نظام در مقابل رسانه‌های بین‌المللی را خراب می‌کند. راه آخر، مهاجرت و پاک کردن صورت مسئله ایران است که بیشتر مردم احتمالاً به همین فکر هستند. خرید خانه در ترکیه یا گرفتن تابعیت کشورهای خارجی توسط ایرانیان، نشان از رفتن مردم به این راه دارد.

ابراز نگرانی انگلیس از حمله به کنسول‌گری ایران

وزیر خارجه انگلیس از حمله به کنسول گری ایران در نجف ابراز نگرانی کرد. حمید بعیدی‌نژاد، سفیر ایران در لندن در صفحه توئیترش نوشت: وزیر خارجه انگلیس نگرانی عمیق خود را از حمله به کنسول گری جمهوری اسلامی ایران در نجف اعلام کرد. به دنبال تعرض به سر کنسول گری جمهوری اسلامی ایران در نجف اشرف، محمد علی الحکیم وزیر امور خارجه عراق در تماس تلفنی با محمدجواد ظریف، ضمن عذرخواهی از این اقدام خراب‌کارانه بر تعهد دولت متبوع خود برای حفاظت از اماکن دیپلماتیک و دیپلمات‌های ایرانی تاکید کرد.

به دنبال «امنیت برای همه» باشیم

سیدحسین موسویان، پژوهشگر دانشگاه پرینستون و عضو سابق گروه مذاکره‌کننده هسته‌ای در مصاحبه با مجله «کایرو رویو» دانشگاه آمریکایی مصر گفت: امنیت برای همه کشورها و ملت‌های منطقه، باید ملاک عمل باشد، لذا ما باید به دنبال استراتژی امنیت برای همه باشیم. وی ادامه داد: اینکه بعد از رهبری آیت ا... خامنه‌ای چه اتفاقی بیفتد، قابل پیش‌بینی نیست. شاه دنبال بمب هسته‌ای بود. یک حکومت لائیک ممکن است دنبال بمب هسته‌ای برود، اما تا زمانی که در ایران حکومت مذهبی باشد، آن‌ها به اصول و ارزش‌های اسلامی پایبند خواهند بود و دنبال بمب هسته‌ای نخواهند رفت.

پیشنهاد انحلال شورای هماهنگی اقتصادی سه قوه

مصطفی کواکبیان، نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: یکی از مواردی که مجلس را از رأس امور انداخته است تصمیمات شورای هماهنگی اقتصادی سران سه قوه است که این را هیچ جای قانون اساسی نداریم. قبل از بازنگری در قانون اساسی رئیس جمهور مسئول هماهنگی قوا بود و بعد از آن رهبری مسئول هماهنگی قوا شدند و ایشان این اختیار را دارند که جلسه‌ای را برای هماهنگی اقتصادی ایجاد کنند، اما اینکه آن‌ها بتوانند مصوبه داشته باشند جای بحث است. کواکبیان افزود: ما اعتقاد داریم که رهبر معظم باید هرچه زودتر انحلال این شورا را اعلام بفرمایند.

از «مدرس» که می‌گفت مجلس عصاره ملت است تا نمایندگانی که می‌گویند «مجلس دیگر در رأس امور نیست»!

روزی روزگاری مجلس

عکس: فارس

راحیل رحمانی/گروه سیاست
Rahil.Rahmani@gmail.com

مرحوم «مدرس» می‌گفت: مجلس به منزله عصاره ملت و مرکز ثقل مملکت است. سال‌ها از روزی که بزرگ‌مرد تاریخ ایران برای همیشه چشم‌هایش را در پسِ توطئه رضاخانی بست و به شهادت رسید، می‌گذرد و امروز دهم آذرماه، در روزی که به نام روز مجلس نام‌گذاری شده، حتی نمایندگان مجلس هم عقیده دارند: «مجلس دیگر در رأس امور نیست». همانی که یک روز احمدی‌نژاد می‌گفت و همه برآشفته شدند که چرا رئیس وقت قوه مجریه، مقابل قوه مقننه ایستاده و آن را به سخره می‌گیرد و زیرسوال می‌برد و برایش ارج و قربی قائل نیست. هرچند شاید بشود ادعا کرد نخستین جرقه‌ها در زمان همان دولت مشعشع(!) خورد وقتی رئیس دولت‌های نهم و دهم برای پاسخ به نمایندگان به مجلس رفت و پاسخ سؤال‌ها را با تمسخر و ریشخند و نیشخند و شوخی داد. همان روز و روزگار فراموش نشدنی که با استفاده از کلماتی چون، شوخی با مجلس، نامردی، با شانس لیسانس گرفتن، آسان بودن سؤالات و... باعث شد تا پس از خروج رئیس جمهور از صحن علنی مجلس، تعداد زیادی از نمایندگان در واکنش به اظهارات احمدی نژاد تذکر و اخطار قانون اساسی بدهند و در این میان رئیس مجلس، سکوتی معنادار اتخاذ کرده بود. آن روز نکته تعجب‌آور و حیرت‌انگیز ماجرای جلسه، جایی بود که رئیس جمهور وقت، در توضیح علت اینکه چرا مجلس را رأس امور نمی‌داند، گفت که برای رئیس جمهور یک حدی از آزادی بیان را قائل باشید و مجدداً در حضور نمایندگان و از تریبون مجلس عنوان کرد که با استدلال می‌گوید مجلس در رأس امور نیست اگر کسی می‌تواند برای رأس امور بودن مجلس استدلال بیاورد!

و حالا هشت سال بعد از آن روز، نمایندگان مجلس استدلال‌ها و نشانه‌هایی می‌آورند تا ثابت کنند مجلس شأن و جایگاه سابق خود را از دست داده است. مثلاً «مصطفی کواکبیان» که چند دلیل برای اثبات افول مجلس و جایگاه این نهاد مهم آورده است. یکی از این چند دلیل را تصمیمات شورای هماهنگی اقتصادی سران سه قوه می‌داند که اعتقاد دارد رهبر انقلاب باید آن را منحل کنند. دلیل دیگر را ردشدن مصوبات مجلس توسط شورای نگهبان می‌داند: «هر مصوبه‌ای که داشته باشیم توسط شورای نگهبان به دلیل مصوبه‌ای که شورای عالی انقلاب فرهنگی داشته است، رد می‌شود حال اینکه اصلی از قانون اساسی برای جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد. امام (ره) این شورا را تأسیس کردند و ما هم به آن احترام می‌گذاریم اما نه اینکه مصوبات آن خط قرمز محسوب شود.»

مشکل بعدی تداخل وظایف و موازی کاری‌هاست. موردی که پیش از این نمایندگانی چون علی مطهری و محمود صادقی هم به‌ویژه در ماجرای لوایح چهارگانه به آن اشاره کرده بودند و به طور مشخص به «مجمع تشخیص مصلحت نظام» اشاره دارد که این نمایندگان اعتقاد دارند «مجلس دوم» شده است. کواکبیان در این باره می‌گوید: «ما در این خصوص حرفی نداریم که شورای نگهبان مصوبه مجلس را برگرداند و بعداً ما اصرار می‌کنیم و به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود و در آن‌جا تعیین تکلیف می‌شود، اما اکنون هر مصوبه‌ای داشته باشیم نخست به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود و در آن‌جا شورایی وجود دارد تا بررسی کند این مصوبه با سیاست‌های کلی نظام منافات نداشته باشد که اگر منافات وجود دارد شورای نگهبان اصلاً ورود پیدا نکند.» و البته که فقط اینها نیست. شاید بد نباشد افول جایگاه مجلس را به جز بیرون از بهارستان، در داخل ساختمان شیک هرمی با قاعده مثلثی میدان بهارستان هم جست‌وجو کنیم. جایی که نمایندگان با برخی رفتارها و گفتارهای دور از شأن و جایگاه نمایندگی، مردم را «دل‌زده» و «بی‌اعتماد» کردند. از سلفی با موگرینی گرفته تا زد و بندهای پشت پرده‌ای با وزرا و امضاکردن طرح استیضاح و پس گرفتن‌های ناگهانی امضاها و مطرح شدن برخی فسادهای مالی و اخلاقی توسط نمایندگان و بیان جملاتی خارج از قاعده ادب و آداب ایرانی و اسلامی و رفتارهای کاملاً جناحی و سیاسی حتی وقتی پای سرنوشت ملت درمیان بوده است و مورد آخری هم همین ماجرای بی‌اطلاع بودن از افزایش نرخ بنزین و ضد و نقیض‌هایی که دراین باره مطرح شد و قص علیهذا... و این‌ها تنها مشتی نمونه خروار است که باعث شده تا حتی علی مطهری هم اعتراف کند «مجلس الان دیگر خیلی در رأس امور نیست.»

مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهادی است که باید تبلور مردم سالاری باشد و در عالی‌ترین جایگاه دموکراسی قرار گرفته و برخواسته از اراده ملت باشد، اما آنچه در عمل شاهدیم این است که نهاد پارلمان هرچه پیش رفته از آن وزانت و سنگینی که مجلس اول داشت فاصله گرفته و جایگاه سیاسی‌اش کم‌رنگ شده است.

شاید به این خاطر که این روزها و روزگار، «مدرس» نداریم یا حداقل نمایندگانی که مثل «مدرس» فکر کنند و عمل کنند نداریم یا در خوش بینانه‌ترین حالت، «کمتر داریم.»

«مدرس» یکی بود و یکی می‌ماند. بزرگ‌مردی که رضا شاه، او را فرستاد به خواف برای تبعید تا انتقام مخالفتش را با تأسیس حکومت پهلوی گرفته باشد بعد اما، دو سال نگذشته از تبعید، کاغذی به آیت ا... فرستاد که اگر پا پس بکشد از بازی سیاست و مثل خیلی از آخوندهای درباری، رام شود و سر به زیر، تفقد همایونی اعلی حضرت شاید شامل حالش می‌شود و دیگر مجبور نباشد غم دوری را تاب بیاورد. پیرمرد اما شانه بالا انداخت که «نه»، ترسی نداشت!

مال و مکنتی نداشت که بیم از دست دادنش را داشته باشد، دارایی‌اش از دنیا مگر چه بود؟ کتاب‌هایش؟ همه را سپرده بود به ذهن؛ عصای سپید بی‌نقش و نگارش؟ تکیه گاه خدا بود بدون عصا هم استوار بود؛ لباس روحانیتش؟ ارزان‌ترین پارچه بود در آن روزگار که فقرا می‌پوشیدند.

رضاخان دست آخر دستور داد با زبان روزه و شبانه شهیدش کردند اما مدرس، مدرس ماند برای همیشه تاریخ تا روزی مثل امروز را به نامش و یادش به نام «مجلس» نام‌گذاری کنند و هرکسی پا به این نهاد می‌گذارد یادش باشد از گذرگاه خون «مدرس» و «مدرس» هاست که با آسودگی ردای وکیل الدوله بودن ملت به تن کرده و اگر می‌خواهد مثل «مدرس» ماندگار شود باید یک مدرس تمام عیار باشد: مجاهد، غیر قابل خرید و فروش و مدافع مردم.

سردرگمی سیاست‌های واپس‌گرایانه و نوگرایانه عربستان

وقتی سعودی ها می خواهند اما نمی توانند

از دروگاه احزاب
امیرعلی هاشمی/گروه سیاست
A.Hashemi@gmail.com

چندی قبل بود که روزنامه «الاخبار» در ادامه افشاگری علیه عربستان سعودی در قالب اسنادی تحت عنوان «سعودی‌لیکس» محتوای سندی جدید از عربستان سعودی را منتشر کرد که موضوع آن طرح براندازی نظام ایران طی سه سال از طریق شراکت با آمریکا بود. سندی که این روزنامه لبنانی به آن دست پیدا کرد، مسائل زیادی را درباره این شراکت سعودی-آمریکایی روشن می‌کرد و مهم‌تر از همه اینکه شاید بهتر می‌شد فهمید چرا لحن محمد بن سلمان علیه ایران، ناگهان کاملاً عوض شد! این طرح شکست خورد و سعودی‌ها زودتر از همه فهمیدند نمی‌توان روی دیوار ترامپ یادگاری نوشت و در این یک فقره حتی رقص شمشیر و باج‌های بادآورده نفتی هم جواب نمی‌دهد. از یک جایی به بعد، بن سلمان به سمتی رفت که می‌شد فهمید آشکارا از هرگونه درگیری با ایران اجتناب می‌کند. کسی که وعده داده بود جنگ را به داخل ایران می‌کشاند، ناگهان از راهکار سیاسی برای حل مشکل با ایران سخن گفت و در گفت‌وگویی تفصیلی با روزنامه «الشرق الاوسط» گفته بود: «دنبال جنگ در منطقه نیستیم».

پس از آن بود که میانجیگری‌ها اوج گرفت. بیش از همه «عمران خان» نخست وزیر پاکستان بود که دلش می‌خواست نقش «مکرونِ خاورمیانه» را بازی کند. او پیغام‌آور شد و پس از سفر به ایران، راهی ریاض شد و گفته شد که پیغام ایران را برای سعودی‌ها برده است. داستان اما از این هم فراتر رفت و چندی پیش شنیده شد مقامات ایرانی، بدون واسطه و مستقیماً برای همتایان سعودی خود پیام‌هایی ارسال کرده و در انتظار پاسخ آن‌ها هستند. در همین رابطه، اخیراً «الخلیج الجدید» نوشت که کویت هم به میانه میدان میانجیگری آمده است: ایران بارها بر آمادگی خود برای مذاکره با عربستان سعودی، در راستای پایان دادن به سوءتفاهم‌ها بین دو کشور، تاکید کرده است؛ همان طور که عباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه ایران ماه گذشته اعلام کرد که جمهوری اسلامی آماده انجام مذاکرات مستقیم یا با واسطه، با همسایگان خود است.

در ادامه این مطلب آمده است: با اینکه رسانه‌ها چندان به این مسئله نپرداخته‌اند؛ اما مذاکرات سری از طریق معاون وزیر خارجه کویت، «خالد الجاراله»، در حال انجام است و وی تاکید کرده که کشورش حامل پیام‌های معینی از سوی ایران، برای عربستان و بحرین، در رابطه با اوضاع منطقه است.

لازم به ذکر است که امیر کویت، «شیخ صباح‌الاحمدالجابرالصباح»، هم‌چنان از راه حل صلح‌آمیز برای تمام موضوعات مورد اختلاف، بین دولت‌های همسایه حمایت کرده و به دنبال فراهم کردن زمینه‌ای برای انجام مذاکرات صلح بین ایران و عربستان است؛ به‌ویژه آنکه تعداد شیعیان در کویت زیاد است.

تا کنون، طبق گزارش منابع آگاه سعودی، ریاض با دقت در حال بررسی پیشنهادهای تهران است، که با هدف عادی‌سازی روابط بین دو کشور، ارائه شده است. این مهم، می‌تواند به بهبود اوضاع در منطقه، به طور کلی کمک کند، اما این احتمال پیچیده برای اصلاح روابط بین دو همسایه، باعث ایجاد یک حالت هیستری و ترس در دولت‌های غربی و دوستان آن، به ویژه ایالات متحده و اسرائیل شده است.

از یک سو، تجهیزات مربوط به دفاع هوایی، به سرعت به عربستان وارد شده است و از سوی دیگر، مذاکرات طولانی و پیچیده‌ای در سطوح مختلف، بین وزیر خارجه عربستان سعودی و همتای آمریکایی او انجام شده است.

طی همین مذاکرات، وزیر خارجه آمریکا به «عادل‌الجبیر» تاریخ روابط استراتژیک بین سعودی و ایالات متحده را یادآوری کرده و تاکید کرد که آمریکا نقش مهمی در حمایت از منافع عربستان ایفا می‌کند.

در ادامه، جینا هاسپل، رئیس سیا، به ریاض سفر کرد؛ هم‌زمان، ولیعهد سعودی از این نشست بلند پایه فرار کرد تا ملک سلمان به تنهایی با هاسپل دیدار کند.

در واقع، ترامپ هاسپل را به ریاض فرستاد تا به پادشاه سعودی هشدار داده و به دادگاه بین‌المللی که در انتظار موافقت ایالات متحده، برای مشخص شدن نقش بن‌سلمان در ترور خاشقچی است، اشاره کند. مسئله جالب توجه آنکه رسانه‌های سعودی از این نشست با عنوان «مذاکرات پیرامون منافع مشترک بین دو کشور» یاد کردند.

به دنبال این دیدار بین هاسپل و ملک سلمان، تحول مهمی در سیاست خارجی ریاض اتفاق افتاد و وزیر مشاور در امور خارجه عربستان تصریح کرد که سیاست سازش با ایران به نتیجه نمی‌رسد و تنها راه برای واداشتن تهران به ورود به مذاکره، وارد آوردن شدیدترین فشارها علیه آن‌ها است. به این ترتیب، مشخص می‌شود که پادشاه سعودی در اتخاذ تصمیمات مستقل، بدون مشورت با واشنگتن، آزادی عمل ندارد.

اسرائیل نیز طبق عادت آتش بیار معرکه شده و موساد تاکید کرد که ایران می‌تواند طی تنها چند ماه، سلاح هسته‌ای بسازد. ماجراهای نجف را هم فراموش نکنیم و ادعای سفیر سعودی که پس از حمله معترضان به کنسول گری ایران در این شهر، گفته بود ایران باید منتظر عواقب بدتری باشد و البته سعودی‌ها به هراس افتاده و به سرعت این سخنان را تکذیب کردند!

استقبال محمد بن سلمان از تیم فوتبال الهلال که قهرمان آسیا شده است.

کنسول گری ایران در نجف پس از آتش‌سوزی

غیرمحرمانه‌ها

اظهار نظر عجیب!

حجت‌الاسلام سید مجتبی میردامادی امام جمعه موقت اصفهان گفت: هر کس علیه شورای نگهبان و عزیزانی که چیزی از دنیا جز انجام مسئولیت نمی‌خواهند، سخن بیجایی گفت، در روز قیامت مورد مجازات قرار خواهد گرفت.

تا آخر، پای استیضاح وزیر کشور

ابوالفضل موسوی، عضو فراکسیون امید مجلس، با تاکید بر اینکه شاه‌کلید مباحث اخیر وزیر کشور است، گفت: تنها کسی که مجلس می‌تواند درباره این اتفاقات از او سؤال کند وزیر کشور است. به همین دلیل امضاکنندگان هم‌قسم شده‌اند تا آخر بر سر استیضاح بمانند که در این باره شفاف‌سازی شود. به گفته موسوی؛ استیضاح وزیر کشور بیش از ۳۴ امضای مصمم دارد.

نمایندگانِ دلال داریم

جهانبخش محبی‌نیا، عضو هیئت رئیسه کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس هم گفته برخی نمایندگان که صندلی خود را فروختند، به سعادت رسیدند! محبی می‌گوید: نمایندگانی داریم که برای دلالی می‌آیند و افرادی هستند که شأن مجلس را می‌شکنند؛ ما وجود این افراد را انکار نمی‌کنیم.

این بار بدون فحش!

حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان که اخیراً به تنهایی و در برنامه ویژه شبکه سه به طور مونولوگ به نقد نمایندگان مجلس پرداخت و فرصت مناظره برای بیان عقاید منتقدانش وجود نداشت، این بار بدون حرف‌های آتشین و توهین از آن‌ها خواسته درباره مصوبه سران قوا برای گرانی بنزین تنها درباره زمان اعلام خبرش شفاف‌سازی کنند! البته درباره زمان اعلام این خبر مشخص شده تصمیمی از سوی شورای امنیت کشور بوده و تاکید همه بر اعلام ناگهانی خبر بوده است.

اصفهان در لیست صدرنشینان اعتراضات بنزینی

سردار جوانی معاون سیاسی سپاه گفت: در روزهای شنبه و یک‌شنبه پس از اعلام خبر افزایش نرخ بنزین، اعتراضات به صورت گسترده و در ۲۹ استان و در صدها شهر ادامه یافت. یکی از این استان‌ها استان اصفهان بود که در ۱۱۰ نقطه از استان اعتراضات و درگیری‌ها رخ داد و از حیث تجمعات بعد از استان‌های فارس و تهران رتبه سوم را در کشور در اختیار دارد.

روایت جالب درباره خلخالی

حاج اسدا... صفا که علاوه بر مباشرت با نخستین حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب، از یاران نزدیک شهید نواب صفوی و اعضای برجسته فداییان اسلام نیز بوده است، در گفت‌وگو با «انتخاب» خاطره جالبی درباره خلخالی تعریف کرده است: «موقعی که انقلاب پیروز شد، امام در مدرسه علوی بودند و نخستین حکمی که صادر کردند، حاکمیت شرع برای آقای خلخالی بود که بقایای رژیم شاه را محاکمه کند. بنده، شهید مهدی عراقی و آقای پیرایند، دست‌اندرکار ساماندهی جمعیت‌هایی بودیم که برای دیدن امام می‌آمدند. مدرسه رفاه زیرزمین خیلی بزرگی داشت و زندانی‌ها را که می‌گرفتند، همه را آنجا می‌آوردند. آقای خلخالی در همان روز اول، ۳۰ نفر را محاکمه کرد و حکم اعدام هر ۳۰ نفرشان را داد و گفت: هر ۳۰ نفر را شب روی پشت‌بام مدرسه رفاه می‌بریم و اعدام می‌کنیم! آقا مهدی عراقی به من گفت: بیا برویم پیش آقا! گفتم: برای چه؟ گفت: که بگوییم خوب نیست این‌ها را اینجا روی پشت‌بام اعدام کنند!

وقتی هیچ کسی فتنه‌شناس نبود

حجت‌الاسلام طائب، فرمانده قرارگاه عمار با اشاره به حوادث اخیر کشور پس از افزایش قیمت بنزین، گفت: دشمنان برای ایجاد فتنه در کشور هزینه زیادی کردند، اما متاسفانه برخی مسئولان ما نتوانستند عقبه این فتنه را تشخیص دهند و آن را در حد فتنه سال ۸۸ تلقی می‌کردند. با اینکه هیچ کس نتوانست فتنه امسال را تشخیص دهد، اما رهبر معظم انقلاب با درایت و بینش والا و بیانات تاثیرگذارشان توانستند وضعیت را آرام و فتنه گران را به مردم معرفی کنند.